

بررسی و مقایسه‌ی خودپنداره‌ی نوجوانان دختر و پسر گریزان و عادی

دکتر سیمین حسینیان

دانشیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء hosseins1381@yahoo.com

چکیده

این پژوهش، برای بررسی و مقایسه‌ی خودپنداره‌ی نوجوانان دختر و پسر گریزان و عادی انجام شد. جامعه‌ی آماری پژوهش، دانش‌آموزان پایه‌ی یکم تا سوم دبیرستان در مناطق ۱۸، ۱۹ و ۲۰ تهران، و نوجوانان پسر و دختر گریزان در «مرکز نگهداری ری»، و «کانون اصلاح و تربیت» است. از بین این دو جامعه‌ی آماری، ۶۰ دختر و پسر گریزان، و ۶۰ دختر و پسر عادی با روش نمونه‌گیری تصادفی در سال ۸۲-۱۳۸۱ گزینش شدند. برای گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ی خودپنداره‌ی راجرز به کار گرفته‌شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش‌های آماری توصیفی و آمار استنباطی (تجزیه و تحلیل واریانس یک‌سویه، و آزمون پس‌معداری توکی) استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که میان خودپنداره‌ی نوجوانان دختر و پسر گریزان، با خودپنداره‌ی نوجوانان دختر و پسر عادی تفاوت معنادار وجود دارد. این تحقیق مؤید این نظر است که نوجوانان دختر و پسر عادی خودپنداره‌ی مثبت‌تر از نوجوانان دختر و پسر گریزان دارند.

کلیدواژه‌ها: خودپنداره؛ نوجوانان؛ گریز؛

مقدمه

گریزنده‌گان، نوجوانانی هستند که بی‌آگاهی و اجازهی والدین بیش از ۸ ساعت بیرون از خانه می‌مانند یا خانه را به اندیشه و آهنگ گریز ترک می‌کنند (بره‌نان، هیزین‌گا، و الیوت^۱، ۱۹۷۸، لهوین، متزن‌دورف، و فان‌باس‌کرک^۲، ۱۹۸۶).

گرچه آمارهای ارائه‌شده درباره‌ی شمار گریزنده‌گان بسیار متنوع و گوناگون است، اما پژوهش‌گران از ۷۰۰ هزار نفر (نای^۳، ۱۹۸۰) تا یک میلیون نفر (لهوین، و هم‌کاران، ۱۹۸۶) را در هر سال گزارش کرده‌اند. در ایران نیز، شمار کودکان گریزان به گونه‌ئی نگران‌کننده رو به افزایش است. به گونه‌ئی که بر پایه‌ی آمار، شمار آن در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال ۱۳۶۵ حدود ۲۰ برابر شده‌است. بنا بر آمار منتشرشده از سوی نیروی انتظامی در پاییز ۱۳۸۰، ۶۰'۱۵۶ نوجوان گریزان توسط نیروی انتظامی دستگیر شده‌اند («بررسی آماری فراریان»، ۱۳۸۰/۱۲/۲۶).

در واقع، ترک کردن خانه، زمانی رخ می‌دهد که شرایطی پدید آید که نوجوان بیانگارد که در گفت‌وگو درباره‌ی مشکلات‌اش با خانواده دوچار شکست خواهدشد (پالسنکی، و لاونر^۴، ۱۹۸۷). دلایل اساسی که منجر به گریز نوجوانان از خانه می‌گردد، یکی، تعارض‌های همیشگی در خانواده (پالسنکی، و لاونر، ۱۹۸۷) و دیگری، مشکلات تحصیلی (لهوین، و هم‌کاران، ۱۹۸۶) است. گریزنده‌گان، نداشتن دانش کافی، وابسته‌گی‌های اندک، مرز و بندهای غیرمنطقی اعمال‌شده از سوی خانواده، سوءاستفاده‌ی جسمی و جنسی، نادیده انگاشته‌شدن، و رانده‌شدن را مهم‌ترین عوامل گریز خود از خانه می‌دانند (کاتون^۵، ۱۹۸۶؛ آدامز، و منرو^۶، ۱۹۷۳؛ گانوس، بورجس، و مک‌کورمک^۷، ۱۹۸۷؛ لهوین، و هم‌کاران، ۱۹۸۶؛ پی‌یترو پین‌تو^۸، ۱۹۸۵).

از سویی، نوجوانان گریزان، پس از ترک خانه با مسائل زیادی روبه‌رو می‌شوند. مشکلاتی که سلامت‌شان را تهدید می‌کند و آنان را در خطر دوچار شدن به بیماری‌های آمیزشی، آسیب‌های پوستی، سستی سامانه‌ی ایمنی بدن، سوءتغذیه، و ناهنجاری‌های روان‌شناختی همچون افسرده‌گی، کاهش عزت نفس و خودبسنده‌گی، اعتیاد و سوءمصرف مواد، نابه‌سامانی‌های رفتاری، و رفتارهای ضداجتماعی قرار می‌دهد (فارو^۹، و هم‌کاران، ۱۹۹۲).

یافته‌های پژوهشی در زمینه‌ی نوجوانان گریزان نشان می‌دهد که آن‌ها از خودپنداره^{۱۰}ئی پایین برخوردار اند. بیش‌ترشان عزت نفس اندک و افسرده‌گی را تجربه

1. Brennan, T., Huizinga, D., & Elliot, D.
2. Levine, R. S., Metzendorf, D., & VanBoskirk, K. A.
3. Nye, F. I.
4. Pálenski, G. E., & Launer, H. M.
5. Caton, C. L.
6. Adams, G. R., & Munro, G.
7. Ganus, M., Burgess, A. W., and McCormack, A.
8. Pietro Pinto, A.
9. Farrow, G.
10. Self-Concept



می‌کنند (آدامز، و من رو، ۱۹۷۳)؛ تشویش فراوان و کام‌یابی اندکی در روابط بین‌فردی خویش دارند (آدامز و مورنو، ۱۹۷۳؛ گاربارتو، و گیلیام، ۱۹۸۴؛ واک، و بران‌دون، ۱۹۷۷)؛ و از احساس ناامنی و عزت نفس پایین و پنداره‌های غیرمنطقی برخوردار اند (گان‌سون، و کارتر، ۱۹۸۰؛ واک، و بران‌دون، ۱۹۷۷؛ دنوف، ۱۹۸۷؛ دمن، ۲۰۰۰). به طور کلی، پژوهش‌ها نشان داده‌است که نوجوانان گریزان، پیش از گریز مشکلات فراوان روان‌شناختی داشته‌اند.

این پژوهش، برای بررسی و مقایسه‌ی خودپنداره‌ی نوجوانان دختر و پسر گریزان و عادی انجام شده‌است. خودپنداره، باور و پندار فرد درباره‌ی خود است. این باور و پندار، به همه‌ی جوانب خود یعنی، جنبه‌های اجتماعی، جسمانی، عقلانی، و روانی فرد مربوط می‌شود (کوپرسمیت، نقل از مصفا، ۱۳۶۵).

از آن‌جا که باور و شناخت فرد از خود و درباره‌ی خود، از مؤلفه‌های اساسی حرمت به خود به شمار می‌رود، یعنی ارزش و ارجی که فرد به خود می‌دهد، بنابراین در این پژوهش به خودپنداره توجهی ویژه شده‌است. با بررسی و ارزیابی خودپنداره بین دو گروه از نوجوانان گریزان و عادی می‌توان دریافت که آیا خودپنداره‌ی پایین می‌تواند یکی از دلایل گریز نوجوانان از خانه و کاشانه‌ی خود باشد.

بدین منظور، این انگاره بررسی شد که «خودپنداره‌ی نوجوانان دختر و پسر گریزان تفاوتی معنادار با خودپنداره‌ی نوجوانان دختر و پسر عادی دارد».

روش پژوهش

با نگرش به ماهیت طرح، این پژوهش مبتنی بر بررسی‌های پس‌رویدادی است. جامعه‌ی آماری پژوهش دانش‌آموزان پایه‌ی یکم تا سوم دبیرستان در مناطق ۱۸، ۱۹ و ۲۰ تهران، و نوجوانان پسر و دختر گریزان در «مرکز نگهداری ری» و «کانون اصلاح و تربیت» می‌باشد که از این دو جامعه‌ی آماری، ۶۰ دختر و پسر گریزان، و ۶۰ دختر و پسر عادی به روش نمونه‌گیری تصادفی در سال ۸۲-۱۳۸۱ گزینش شد.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها آزمون خودراهبری راجرز^۷ به کار گرفته‌شد. این آزمون دو بخش دارد: بخش آ نگرش فرد را به خویشتن واقعی، و بخش ب نگرش او را به

1. Garbarino, G., & Gilliam
2. Wolk, S., & Brandon, G.
3. Gohnson, R., & Carter, M. C.
4. Denoff, M. S.
5. Deman, A. F.
6. Coppersmith
7. Self-Directed Rogers Test

خویشترن آرمانی‌اش اندازه‌گیری می‌کند. این آزمون دارای ۲۵ جفت صفت است که هر جفت صفت در برابر هم قرار دارد. فاصله‌ی بین دو صفت متضاد با یک مقیاس ۷ درجه‌ئی نمره‌گذاری شده‌است.

آزمودنی، بنا به نگرشی که درباره‌ی هر یک از صفات مطرح‌شده در آزمون درباره‌ی خود دارد، با نشانه‌گذاری در یکی از نمره‌های مقیاس، ویژه‌گی‌های شخصیتی خود را بنا بر دستور کار آزمون ارزیابی می‌کند. روایی پرسش‌نامه، ۰/۸۹ (جفری، ۱۳۷۲) و ضریب هم‌بستگی بین دو بخش آزمون، ۰/۸۲ (مشکی، ۱۳۷۸) گزارش شده‌است. شیوه‌ی نمره‌گذاری این آزمون بدین سان است که برای هر صفت شخصیتی، قدر مطلق تفاضل آن صفت را در بخش آ و ب به دست می‌آوریم. برای نمونه، اگر فردی در صفت «فروتن» نمره‌ی ۶ در بخش آ و نمره‌ی ۳ در بخش ب داشته‌باشد تفاضل آن ۳ می‌شود و توان دوم آن ۹ است. ریشه‌ی دوم برهمنه‌ی توان دوم تفاضل‌های ۲۵ صفت، نمره‌ی خام خواهدبود. اگر این نمره ۰ تا ۷ باشد آزمودنی دارای خودپنداره‌ی مثبت و خوب است، اما اگر بالاتر از ۷ باشد خودپنداره‌ی منفی و سست دارد (نادری، ۱۳۸۱).

بررسی آماری یافته‌ها

برای بررسی داده‌های پژوهش، نخست فراوانی و درصد هر کدام از گروه‌ها به دست آمد. در جدول ۱ فراوانی و درصد سنی آزمودنی‌های دختر و پسر گریزان و عادی آمده‌است. هم‌چنان که دیده‌می‌شود، بیش‌ترین فراوانی در سن ۱۷ سال است که ۲۶/۶۷ درصد کل نمونه‌ی پژوهش را تشکیل می‌دهد. میانگین سنی نمونه‌ها ۱۶/۳۲ است.

جدول ۱- فراوانی و درصد سنی آزمودنی‌های دختر و پسر گریزان و عادی

درصد	فراوانی	شاخص‌های آماری
		سن آزمودنی‌ها
۲/۵۰٪	۳	۱۳
۱۰/۰۰٪	۱۲	۱۴
۱۸/۳۳٪	۲۲	۱۵
۲۱/۶۷٪	۲۶	۱۶
۲۶/۶۷٪	۳۲	۱۷
۱۲/۵۰٪	۱۵	۱۸
۷/۵۰٪	۹	۱۹
۰/۸۳٪	۱	۲۰
۱۰۰/۰۰٪	۱۲۰	کل



در جدول ۲ فراوانی و درصد آزمودنی‌های گریزان بنا بر میزان تحصیلات آمده‌است. همچنان که دیده‌می‌شود، بیش‌ترین فراوانی در تحصیلات راهنمایی است که ۵۵/۰۰ درصد نمونه را تشکیل می‌دهد.

جدول ۲- فراوانی و درصد میزان تحصیلات آزمودنی‌های دختر و پسر گریزان

درصد	فراوانی	شاخص‌های آماری میزان تحصیلات
۱۶/۶۷٪	۱۰	ابتدایی
۵۵/۰۰٪	۳۳	راهنمایی
۲۸/۳۳٪	۱۷	دیپریستان
۱۰۰/۰۰٪	۶۰	کل

در جدول ۳ فراوانی و درصد آزمودنی‌های عادی بر حسب پایه‌ی تحصیلی آمده‌است. همچنان که دیده‌می‌شود، بیش‌ترین فراوانی در دانش‌آموزان سوم دیپریستان است که ۶۶/۶۷ درصد نمونه را تشکیل می‌دهد.

جدول ۳- فراوانی و درصد میزان تحصیلات آزمودنی‌های دختر و پسر عادی

درصد	فراوانی	شاخص‌های آماری پایه‌ی تحصیلی
۱۱/۶۷٪	۷	اول دیپریستان
۲۱/۶۷٪	۱۳	دوم دیپریستان
۶۶/۶۷٪	۴۰	سوم دیپریستان
۱۰۰/۰۰٪	۶۰	کل

در جدول ۴ فراوانی آزمودنی‌ها بنا بر وضعیت اقتصادی-اجتماعی آمده‌است. همچنان که دیده‌می‌شود در آزمودنی‌های گریزان، بیش‌ترین فراوانی در وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین است که ۷۸/۳۳ درصد نمونه را تشکیل می‌دهد. در آزمودنی‌های عادی نیز، بیش‌ترین فراوانی در وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین است که ۵۰/۰۰ درصد نمونه را تشکیل داده‌است.

جدول ۴- فراوانی و درصد وضعیت اقتصادی-اجتماعی آزمودنی‌های دختر و پسر گریزان و عادی

آزمودنی‌های عادی		آزمودنی‌های گریزان		گروه	وضعیت اقتصادی-اجتماعی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	شاخص‌های آماری میزان درآمد (ریال)	
۸/۳۳٪	۵	۲/۳۳٪	۲	۸۰۰'۰۰۰ - ۷۰۰'۰۰۰	بالا
۴۱/۶۷٪	۲۵	۱۸/۳۳٪	۱۱	۲'۰۰۰'۰۰۰ - ۱'۸۰۰'۰۰۰	متوسط
۵۰/۰۰٪	۳۰	۷۸/۳۳٪	۴۷	۳'۰۰۰'۰۰۰ - ۲'۵۰۰'۰۰۰	پایین
۱۰۰/۰۰٪	۶۰	۱۰۰/۰۰٪	۶۰	کل	

در جدول ۵ میانگین و انحراف استاندارد نمره‌ی آزمودنی‌ها در پرسش‌نامه‌ی خودپنداره آمده‌است. همچنان که دیده‌می‌شود میانگین نمرات در نمره‌ی پرسش‌نامه برای آزمودنی‌های دختر گریزان به مراتب بیشتر از آزمودنی‌های دیگر است. در ضمن، پراکنده‌گی نمره‌های این گروه از آزمودنی‌های دیگر بیشتر است. سپس، به ترتیب، میانگین نمره‌ی پسران گریزان، دختران عادی و پسران عادی قرار دارد.

جدول ۵- میانگین و انحراف استاندارد نمره‌ی آزمودنی‌ها در پرسش‌نامه‌ی خودپنداره

انحراف استاندارد	میانگین	فراوانی	شاخص‌های آماری گروه‌ها
۴٫۰۴	۱۰٫۳۳	۳۰	دختران گریزان
۳٫۶۷	۹٫۸۷	۳۰	پسران گریزان
۳٫۶۲	۸٫۷۵	۳۰	دختران عادی
۳٫۱۹	۵٫۴۶	۳۰	پسران عادی

برای بررسی ارتباط میان گروه‌های شرکت‌کننده در آزمون با خودپنداره‌ی آن‌ها، تحلیل واریانس یک‌سویه (ANOVA) انجام شد. با بررسی F برآوردشده (۱۰/۳۱۳) و سطح معناداری F (۰/۰۰۰)، می‌توان با اطمینان ۹۹/۹ درصد نتیجه‌گیری کرد که خودپنداره‌ی آزمودنی‌های گریزان و عادی دختر و پسر تفاوتی معنادار با هم دارد (جدول ۶).

جدول ۶- نتایج تحلیل واریانس یک‌سویه بین نمره‌ی خودپنداره‌ی آزمودنی‌ها

سطح معناداری F	F	میانگین مجذورات	درجه‌ی آزادی	جمع مجذورات	شاخص‌های آماری منابع تغییرات
۰/۰۰۰	۱۰/۳۱۳	۱۴۴/۹۵۰	۳	۴۳۴/۸۴۹	واریانس بین گروهی
		۱۴/۰۵۵	۱۱۶	۱۶۳۰/۳۸۱	واریانس درون گروهی
			۱۱۹	۲۰۶۵/۲۳۰	کل

برای بررسی دقیق میانگین‌هایی که با یکدیگر تفاوت دارد، آزمون تعقیبی توکی اجرا شد که نتایج آن در جدول ۷ آمده‌است.

جدول ۷- آزمون تعقیبی توکی بین نمره‌ی خودپنداره‌ی آزمودنی‌ها

گروه‌ها (I)	خودپنداره (g)	تفاوت میانگین‌ها	انحراف استاندارد	سطح معناداری
دختران گریزان	پسران گریزان	۰/۴۶۴۳	۰/۹۶۷۹۹	۰/۹۶۳
	دختران عادی	۱/۵۸۲۷	۰/۹۶۷۹۹	۰/۳۶۳
پسران گریزان	پسران عادی	۴/۸۷۳۰**	۰/۹۶۷۹۹	۰/۰۰۰
	دختران عادی	۱/۱۱۸۳	۰/۹۶۷۹۹	۰/۶۵۶
	پسران عادی	۴/۴۰۸۷**	۰/۹۶۷۹۹	۰/۰۰۰
دختران عادی	پسران عادی	۳/۲۹۰۳**	۰/۹۶۷۹۹	۰/۰۰۰

P < ۰/۰۰۰ **



بحث و نتیجه‌گیری

بررسی آماری یافته‌ها نشان داد که خودپنداره‌ی پسران و دختران نوجوان گریزان و عادی تفاوتی معنادار با هم دارد؛ بدین معنا که پسران و دختران عادی خودپنداره‌ی مثبت‌تر و بالاتر از پسران و دختران گریزان دارند. این یافته هم‌سو با پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای دیگر است. برای نمونه، *آدامز و من‌رو* (۱۹۷۳) در بررسی‌های خود نشان دادند که نوجوانان گریزان از خودپنداره‌ی پایین برخوردار اند. هم‌چنین، *فیتس و هام‌نر*^۱ (۱۹۶۹) در پژوهشی که برای بررسی نیم‌رخ خودپنداره در نوجوانان بزه‌کار و گریزان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که نوجوانان بزه‌کار و گریزان نیم‌رخ خودپنداره‌ی پایینی دارند.

در پژوهشی دیگر که *یست و مک‌کوآرد*^۲ (۱۹۹۴) با عنوان «بررسی نیازها و خودپنداره‌ی نوجوانان گریزان» انجام دادند، دریافتند که نیازهای اساسی نوجوانان گریزان، نظم و به‌سامانی زنده‌گی، و داشتن روابط دل‌پسند و خوش‌آیند با والدین است. هم‌چنین خودپنداره‌ی نوجوانان گریزان بسیار پایین‌تر از نوجوانان عادی است؛ به‌ویژه خودپنداره‌ی این نوجوانان در زمینه‌های روان‌شناختی و خانواده‌گی بسیار پایین است.

والف^۳ (۱۹۹۹) نیز نشان داد که نوجوانان گریزان در برابر نوجوانان عادی از عزت نفس و خودبسنده‌گی کم‌تری برخوردار اند. دمن (۲۰۰۰) نیز در بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار گریز نوجوانان نشان داد که رابطه‌ی معنادار میان رفتار گریز از خانه با عزت نفس پایین، خودپنداره‌ی پایین، افسرده‌گی، اندیشه‌های خودکشی، تنش فرساینده، مصرف الکل، مصرف سوء مواد، و نداشتن پشتیبان اجتماعی وجود دارد.

در این پژوهش، بیش‌تر نوجوانان گریزان تحصیلات اندک داشتند. ناآگاهی از خطرات بالقوه در جامعه، می‌تواند یکی از عوامل بنیانی گریز آن‌ها از خانه به شمار رود. از سویی، جایگاه پایین اقتصادی-اجتماعی و برآورده نشدن نیازهای اساسی نوجوانان در خانواده، این باور نادرست را در نوجوانان گریزان، به ویژه پسران، پدید می‌آورد که برای داشتن زنده‌گی بهتر و تجربه‌ی آسایش بیش‌تر به شهرهای بزرگ‌تر بگریزند. پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای دیگر، نداشتن دانش بسنده و وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین را از عوامل گریز از خانه‌ی نوجوانان می‌داند (بی‌یت‌رو و پین‌تو، ۱۹۸۵؛ والف، ۱۹۹۹).

به طور کلی، آن‌چه که پیدا است، گریز از خانه یکی از عوامل مهمی است که افراد را به‌شدت درگیر بزه‌کاری می‌سازد و امنیت اجتماعی جامعه را به خطر می‌اندازد. نخست به

1. Fitts, W. H., & Hamner, W. T.
2. Post, P., & McCoard, D.
3. Wolfe, S. M.

این دلیل که گریز با آشفته‌گی و نابه‌سامانی خانواده وابسته است، و دوم، از این رو که گریز به عنوان کجروی اجتماعی به رفتارهایی بزه‌کارانه همچون دزدی، حمل و مصرف مواد مخدر، و از این دست می‌انجامد.

نوجوانانی که دست به گریز می‌زنند به خاطر خودپنداره‌ی پایین و ارزش‌دهی اندک به خود، تنها راه حل مشکل خود را گریز از خانه می‌یابند. از آن‌جا که خانواده نخستین کانون سازنده‌ی نوجوان است و خودپنداره‌ی وی، یعنی برداشت وی از خود و ارزشی که به خود می‌دهد، در خانواده جان می‌گیرد، بنابراین، باید با برنامه‌های بنیادی، آموزش شیوه‌های درست پرورشی به خانواده‌ها، آموزش مهارت‌های اجتماعی و زنده‌گی به نوجوانان، و تدوین قوانین مناسب حمایتی با ضمانت اجرایی، نوجوانان را از گزند آسیب‌هایی که تهدیدشان می‌کند دور داشت. همچنین با راه‌اندازی و سازمان‌دهی کانون‌هایی برای پیوند خانواده‌ها، تشکل‌ها، مدارس، و پلیس، همکاری همه‌سویه و دقیقی برای پیش‌گیری از رفتار گریز در نوجوانان آغاز کرد.



منابع

- جعفری، ب. (۱۳۷۲). بررسی ارتباط خودپنداره با جنسیت و پیشرفت تحصیلی. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. تهران: پژوهش‌کده‌ی تعلیم و تربیت.
- بررسی آماری فراریان. (۱۳۸۰/۱۲/۲۶). روزنامه‌ی جام جم.
- مشکی، م. (۱۳۷۸). بررسی میزان تأثیر آموزش مشکل‌گشایی بر خودپنداره‌ی نوجوانان پسر دبیرستان‌های گناباد در سال ۱۳۷۸. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مصفا، م. ج. (۱۳۶۵). تفکر زائد. تهران. چاپ سوم.
- نادری، خ. (۱۳۸۱). بررسی مقایسه بین خودپنداره با تیپ شخصیتی و آرزوهای شغلی دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی شهرستان شهرکرد. [پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد]. تهران: دانشگاه الزهرا.
- Adams, G. R., & Munro, G. (1973). Portrait of the North American runaway: A critical review. *Journal of youth and Adolescence*, 8, 359-375.
- Brennan, T., Huizinga, D., & Elliot, D. (1978). *The Social Psychology of Runaways*. Lexington, MA: Lexington Book.
- Caton, C. L. (1986). The homeless experience in adolescent years. *New Directions for Health Services*, 63-70.
- Demian, A. F. (2000). Predictors of adolescent runaway behavior. *Social Behavior and Personality*, 28(3), 261-268.
- Denoff, M. S. (1987). Irrational beliefs as predictors of adolescent drug abuse and runaway. *Journal of clinical psychology*, 43, 412-423.
- Farrow, G., et al. (1992). Homeless and runaway youth health and health need. *Journal of Adolescents Health*, 13, 717-720.
- Fitts, W. H., & Hamner, W. T. (1969). *The Self-concept and Delinquency*. Los Angeles, CA: Western Psychological Services.
- Garbarino, G., & Gilliam. (1984). *Understanding Abusive Families*. Lexington, MA: Lexington Books.
- Ganus, M., Burgess, A. W., & McCormack, A. (1987). Histories of sexual abuse in adolescents male runaway. *Adolescence*, 22, 405-417.
- Gohnson, R., & Carter, M. C. (1980). Flight of the young: why children runaway from their homes. *Adolescence*, 15, 483-489.
- Levine, R. S., Metzendorf, D., & VanBoskirk, K. A. (1986). Runaway and throwaway youth: A case for early intervention with truants. *Social Work in Education*, 8, 93-16.
- Nye, F. I. (1980). *Runaways: A Report for Parent (Extension Bulletin 0743)*. Pullman: Washington State University, Cooperative Extension Service.
- Palenski, G. E., & Launer, H. M. (1987). The process of running away: A redefinition. *Adolescence*, 22, 347-362.
- Pietro Pinto, A. (1985). Runaway children. *Medical Aspects of Human Sexuality*, 19, 175-189.
- Post, P., & McCoard, D. (1994). Needs and self- concept of runaway adolescents. *Journal of School Counselor*, 41, 212-220.
- Wolk, S., & Brandon, G. (1977). Runaway adolescents' perceptions of parents and self. *Adolescence*, 12, 176-187.
- Wolfe, S. M. (1999). A comparison of homeless and matched housed adolescents: A family environments variables. *Journal of Research on Adolescents*, 9, 53 -66.